

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق
۰۴ اگست ۲۰۲۲



محمد محق

کوبیدن طالبان بر طبل قوانین شرعی

در یکی از آخرین فرمان‌های منسوب به رهبر طالبان آمده است که باید قانون شرعی جایگزین قانون ساخت مردم شود. نه تنها طالبان، بلکه عموم گروه‌های بنیادگرای دینی که تلاش می‌کنند قدرت سیاسی را به دست بگیرند، مهم‌ترین بهانه‌ای که برای نامشروع انگاشتن حکومت‌های کنونی در کشورهای مسلمان به میان می‌کشند و خود را به مثابه جایگزین بهتر پیشنهاد می‌کنند ادعای تطبیق نشدن شریعت از سوی این حکومت‌هاست که گویا تنها به دست این گروه‌ها عملی و اجراء خواهد شد.

بنا بر تجربه تاریخی، علاوه بر گروه‌های اسلام سیاسی، چندین حکومت و حکمران بلندپرواز هم تلاش کردند با سردادن شعار تطبیق شریعت برای خود مشروعیت و محبوبیت بخرند، اما تلاش‌های بیهوده‌شان به جایی نرسید. نخستین کسی که این ادعا را مطرح کرد جعفر نمیری رئیس جمهوری اسبق سودان بود که قوانینی در این خصوص صادر کرد و به نام قوانین سپتمبر ۱۹۸۳ معروف شد. همچنان، جنرال ضیاء الحق در پاکستان که به علت حکومت کودتائی و نظامی‌گری‌اش با بحران مشروعیت مواجه بود، در سال ۱۹۸۴ برنامه مشابهی را به نام نفاذ شریعت روی دست گرفت که سرنوشتی بهتر از کار نمیری نداشت. حکومت‌های ایران و سودان و نیز حکومت‌های مجاهدین و طالبان در دوره نخست نیز اجندای شان را تطبیق شریعت می‌خواندند، بدون این‌که از بحران‌های عمیق این کشورها چیزی کاسته شود.

آنچه داعیه تطبیق شریعت را به موضوعی مرکزی در گفتمان این گروه‌ها تبدیل کرده چند مورد است: نخست، دست آنان در عرصه‌های اساسی حکومتداری خالی است، زیرا هیچ برنامه موفقی برای تأمین رفاه شهروندان ندارند، و هیاوئی که به نام تطبیق شریعت به راه می‌اندازند برای این است که پردپوش ناتوانی‌ها و ناکامی‌های شان شود. دوم، فهم آنان از دین تنها رنگ فقهی دارد و بر درکی درست از منظومه‌های کلامی، فلسفی، عرفانی و عقلانی در تاریخ اسلام استوار نیست، و نمی‌دانند که نمی‌توان تمام دین را به یک بخش بسیار محدود که شریعت خوانده می‌شود فرو

کاست. سوم، آنان در اثر تبلیغات ایدئولوژیک که در خلال یک قرن گذشته شده است خیال می‌کنند که تطبیق شریعت مانند چراغ جادویی علاء الدین در افسانه‌های هزار و یک شب است که با آن می‌توان هر گره دشواری را براحتی گشود. چهارم، آنان درکی از حکومتداری مدرن ندارند و نمی‌دانند که موفقیت دولت‌ها در عصر حاضر به جامعه‌ای دینامیک، نهادهای استوار، قوانینی روشن، احزابی نیرومند، شفافیتی چشمگیر، و دانش‌های تخصصی گسترده‌ای بر می‌گردد که نمونه‌اش در تاریخ تکرار نشده است. پنجم، آنان به بهانه تطبیق شریعت راهی پیدا می‌کنند که همه مخالفان را سرکوب کرده و پایه‌های استبداد آهنین خود را محکم‌تر کنند.

آنان از خود نمی‌پرسند که چرا اکثریت مردم جهان تلاش دارند به کشورهای غربی کوچ کنند و حتی فعالان اخوانی، حزب تحریر و القاعده تا روزی که امکان زندگی در لندن و پاریس داشتند یک روز نخواستند در زیر سلطه‌ای به ظاهر اسلامی در سودان و ایران به سر ببرند، چنان که امروز نمی‌خواهند به افغانستان زیر سلطه طالبان بگویند. حتی بخشی از حامیان فکری طالبان به محض سلطه یافتن این گروه به کشور سکولار ترکیه گریختند. این حقایق نشان می‌دهد که قوانین مدرن، با تکیه بر داده‌های علمی و استفاده بهینه از عقلانیت مدرن خیلی بهتر توانسته است آنچه را که مقاصد شریعت خوانده می‌شود تحقق ببخشد.

انتقادهای بالا نه بر اصل شریعت، بلکه بر فهم خام و کودکانه از شریعت وارد است که این گروه‌ها به آن مبتلایند.